



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صاحب عروه در مسئله ۲۵ می فرماید: «يجوز السفر في شهر رمضان لا لعذر و حاجة بل و لو كان للفرار من الصوم لكنه مكروه». بحث در این است که در ماه رمضان می توان به مسافرت رفت حتی اگر این مسافرت برای فرار کردن از روز باشد و علت این حکم این است که در ما نحن فیه دو موضوع وجود دارد یکی حضر و دیگری سفر و شارع مقدس در هر کدام وظیفه خاصی برای ما مقرر کرده است، گاه تبدیل یک موضوع به موضوع دیگر جایز نیست مثلا تبدیل اختیار به اضطرار مثلا در حال اختیار باید با آب وضو گرفت و هنگام اضطرار می توان تیمم کرد حالا اگر کسی آب داشت و آن آب را با اختیار خودش ریخت این بحث مطرح می شود که آیا این فرد می تواند عمدا حکم اختیاری را به اضطراری تبدیل کند یا نه؟ در این فرض رتبه اضطرار در طول اختیار است و بحث مفصلی وجود دارد که می گوید شاید مصلحت اختیاریه بیشتر از اضطراریه باشد لذا فرد اجازه ندارد که موضوع خود را به اضطرار تغییر دهد و در مورد نماز هم واضح است که فرد می تواند به مسافرت برود و در نتیجه نمازش قصر شود و در روزه هم این چنین بحثی مطرح است. برای فهم این بحث باید ابتدا شرط وجوب و شرط وجود را در نظر بگیریم، گفتیم که بعضی از شرایط وجود هستند و بعضی دیگر شرط وجوب می باشند، شرط وجوب آن است که در اختیار ما نیست و اگر محقق شود عمل واجب می شود و بر ما لازم نیست که آن را تحصیل کنیم مثلا استطاعت در حج از این قبیل است و هكذا دخول وقت شرط وجوب نماز ظهر است و یا رسیدن به حد نصاب برای وجوب زکات و یا دخول ماه رمضان برای وجوب روزه و اما شرط وجود لازم التحصیل است مثلا اگر وقت نماز داخل شد و نماز واجب شد واجب است وضو بگیریم و یا مقابل قبله بایستیم و هكذا. در شرط وجوب گاه تحصیل آن اصلا در اختیار ما نیست مانند دخول وقت برای نماز و گاه تحصیل آن در اختیار ما می باشد مثل فاضل بر معونه، به این بیان که کسی صد هزار تومان دارد اگر این مال را تا سال خمسی مصرف نکند باید خمسش را بدهد ولی او می تواند این مبلغ را خرج کند و در نتیجه خمس هم به گردنش نیاید. حال در ما نحن فیه باید دید که حضر شرط وجود است که در نتیجه باید در حضر بمانیم و

روزه را از دست ندهیم و یا شرط وجوب است که اگر حاصل شد فیها المراد و إلا فلا، به این بیان که حضر و سفر دو موضوع می باشند و هر کدام (هرچند با اختیار ما) محقق شود باید مطابق آن عمل کنیم. خوب به نظر بنده حق این است که حضر شرط وجوب است و ما گفتیم که شرط وجوب گاه در اختیار ماست و گاه در اختیار ما نیست و واضح است که شرط وجوب روزه که همان در حضر ماندن است در اختیار ما می باشد و همانند دخول نماز نیست که در اختیار ما نمی باشد از این رو چون در حضر ماندن در اختیار ماست می توانیم آن را حفظ نکنیم و به سفر برویم تا وجوب روزه در آن روز از ما ساقط شود، خلاصه اینکه ما روایاتی در این رابطه داریم که صاحب عروه به مفاد آن روایات در این مسئله فتوی داده اند و ما هم با توجه به روایاتی که در این خصوص داریم می توانیم حکم به جواز سفر کنیم ولی همین روایات در باب وضو به ما اجازه نمی دهند که آب وضو را از دست بدهیم و در نتیجه محکوم به تیمم کردن بشویم.

خوب حالا می رویم به سراغ روایات مربوط به بحثمان، صاحب وسائل این روایات را در باب ۳ از ابواب من یصح منه الصوم که در ص ۱۲۹ از جلد ۷ وسائل واقع شده ذکر کرده اند البته ظهور این اخبار با هم تعارض دارند لذا ما باید بین آنها جمع کنیم.

خبر اول خبر ۲ از این باب ۳ می باشد، خبر این است: «بِإِسْنَادِهِ (صدوق) عَنْ الْأَمَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَعْزُضُ لَهُ السَّفَرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَهُوَ مُقِيمٌ وَقَدْ مَضَى مِنْهُ أَيَّامٌ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِأَنْ يُسَافِرَ وَيُفْطِرَ وَلَا يَصُومَ». این خبر سنداً صحیح است و مسافرت اختیاری در ماه رمضان را جایز می داند.

و اما خبر بعدی خبر ۱ از همین باب ۳ می باشد که در مقابل خبر ۲ که خواندیم قرار دارد، خبر این است: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَدْخُلُ شَهْرَ رَمَضَانَ وَهُوَ مُقِيمٌ لَا يُرِيدُ بِرَأْحًا (سفر) ثُمَّ يَبْدُو لَهُ بَعْدَ مَا يَدْخُلُ شَهْرَ رَمَضَانَ أَنْ يُسَافِرَ فَسَأَلْتُهُ غَيْرَ مَرَّةٍ فَقَالَ يُقِيمُ أَفْضَلُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ حَاجَةٌ لَا بُدَّ لَهُ مِنَ الْخُرُوجِ فِيهَا أَوْ يَتَخَوَّفُ عَلَى مَالِهِ». اسناد صدوق به حلبی صحیح است و مراد از حلبی مطلق، عبید الله بن علی حلبی می باشد لذا سند روایت مشکلی ندارد و مفاد این روایت این است که فرد تا حاجتی ندارد بهتر است مسافرت نکند و فقط هنگامی می تواند مسافرت کند که ناچار باشد و همانطور که می بینید مفاد این خبر با خبر قبلی که خواندیم فرق می کند آن خبر قبلی می گفت لا بأس ولی این خبر می گوید که فقط در صورت خاصی مسافرت جایز می باشد.

«أحدها : ما من من النوم الثاني بل الثالث و إن كان الأحوط فيهما الكفارة أيضا خصوصا الثالث» . سابقا این مسئله مطرح شد که کسی که در خواب محتلم شده است و می داند اگر بخوابد می تواند تا قبل از اذان بیدار شود می تواند بخوابد همچنین اگر بیدار شود و دوباره بخوابد و هکذا در خواب سوم که البته احوط این است که در خواب دوم و سوم کفاره بر گردن فرد بار می شود (علی الخصوص خواب سوم) .

«الثاني : إذا أبطل صومه بالإخلال بالنية مع عدم الإتيان بشئ من المفطرات أو بالرياء أو بنية القطع أو القاطع كذلك» . این مورد در جایی است که فرد روزه خودش را به دلیل اخلال به نیت باطل کند چونکه در روزه نیت رکن است و باید همچنان تا زمان افطار باقی بماند ، مثل اینکه فردی از امشب بخوابد و تا فردا شب همچنان در حال خواب باقی بماند و یا اینکه در حین عمل مرتکب ریا شود همچنین اگر نیت قطع و یا قاطع داشته باشد . نیت قطع به این است که تصمیم بگیرد که از این لحظه به بعد روزه نباشد و اگر چیزی به دستش بیاید بخورد البته ممکن است چیزی هم گیریش نیاید که بخورد و نیت قاطع این است که یکی از مفطرات روزه مانند خوردن آب را نیت کرده باشد و سابقا گفتیم که حضرت امام(ره) تبعا لصاحب جواهر قائل بود که نیت قطع مبطل است ولی نیت قاطع مبطل نیست و ما هم در آنجا قائل بودیم کسی روزه اش باطل است که یکی از مفطرات را عملا مرتکب شود و از روایات هم همین استفاده می شود حال اگر کسی فقط نیت کرده باشد که مفطری را مرتکب شود و عملا چیزی را انجام ندهد در روایات ثابت نیست که روزه اش باطل باشد البته اگر این نیت در او امتداد یابد و مثلا چند ساعت طول بکشد روزه اش باطل است....

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

و اما خبر بعدی خبر ۳ از همین باب ۳ می باشد ، خبر این است : « بِإِسْنَادِهِ (صدوق) عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَزْمَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْخُرُوجِ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَقَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا فِيمَا أَخْبِرُكَ بِهِ خُرُوجٍ إِلَى مَكَّةَ أَوْ غَزْوٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مَالٍ تَخَافُ هَلَاكَهُ أَوْ أَخٍ تَخَافُ هَلَاكَهُ وَ إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدًا مِنَ الْأَبِ وَالْأُمَّ » . سند این روایت به خاطر وجود علی بن ابی حمزه بطائنی ضعیف است زیرا او یکی از ارکان واقفیه است و بعد از شهادت امام کاظم علیه السلام که اموال زیادی از ایشان در دست وی بود تصمیم گرفت که امامت امام رضا(ع) را قبول نکند و تمامی اموال را تصاحب کند و علاوه بر او تعداد دیگری از وکلای امام کاظم علیه السلام هم این چنین کردند که البته بعضی از آنها برگشتند و توبه کردند و گفته شده که علی بن ابی حمزه هم برگشته است و این حدیث هم مانند حدیث اول است و از سفر نهی می کند .

خبر بعدی خبر ۴ از همین باب ۳ می باشد ، خبر این است : « فِي الْخِصَالِ بِإِسْنَادِهِ الْأَيْبِيِّ عَنْ عَلِيِّ ع فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعِيَّةِ قَالَ لَيْسَ لِلْعَبْدِ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى سَفَرٍ إِذَا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمْ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ (۱۸۵ بقره) » . این حدیث سندا ضعیف است و از سفر بدون عذر نهی می فرماید .

خوب در این باب ۳ ، روایات مختلف دیگری نقل شده است و چون در هر دو طائفه از روایات ، صحیح السند هم وجود دارد دیگر تک تک روایات را بررسی سندی نمی کنیم ، خوب حالا باید بین این دو طائفه از اخبار جمع کنیم به این صورت که بگوئیم روایات جواز سفر صریح در سفر است و در مقابل آن روایات ناهیه را حمل بر کراهت می کنیم مخصوصا که در روایت اول آمده بود که سفر نکردن افضل است .

صاحب عروة در مسئله بعد وزن و مقدار کفاره طعام را ذکر کرده است و مقدار وزن آنها را به صاع و مثقال و دیگر اوزان سنجیده است که امروزه بیان آنها مصداق ندارد لذا بعضی از محشین در اینجا فرموده اند که لازم نبوده که صاحب عروة این مسئله را مطرح کند و ما عرض می کنیم که حق این است که هر مدّ ربع صاع است که حدود یک چهارم سه کیلو است یعنی چیزی حدود ۷۵۰ گرم .

« الفصل السابع: فصل يجب القضاء دون الكفارة في موارد ؛ أحدها : ما من من النوم الثاني بل الثالث و إن كان الأحوط فيهما الكفارة أيضا خصوصا الثالث . الثاني : إذا أبطل صومه بالإخلال بالنية مع عدم الإتيان بشئ من المفطرات أو بالرياء أو بنية القطع أو القاطع كذلك » . صاحب عروة در این فصل مواردی را ذکر می کند که اگر صائم روزه اش را افطار کند قضا واجب است ولی کفاره واجب نیست .